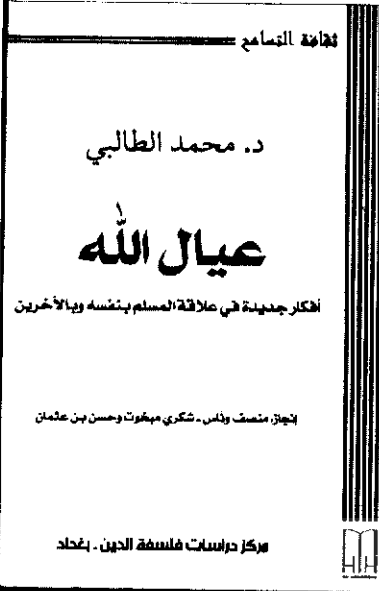


# گفت و گو میان خانواده خداوند

نگاهی به کتاب "عیال الله: افکار جدیده فی علاقه المسلم بنفسه و بالاخرین" تألیف محمد طالبی

مجید مرادی



زبانی سخن می‌گفت که تا آن زمان برایم ناآشنا بود. ما در منزلمان اعمال و اوراد و اذکار صوفیانه داشتیم ولی فلسفه‌پردازی و بحث عمیق آکادمیک و تحلیل نداشتیم. آنچه نزد ماسینیون یافتیم چارچوب فلسفی و تحلیل فراگیر و گسترده بود و مقایسه میان تجارب معنوی و فلسفی متفاوت و مقایسه میان تصوف آسیایی و تصوف در مسیحیت و اسلام.

باب دوم کتاب با عنوان "اسلام و پرسش‌های دشوار" در دو فصل "قرآن و مقتضیات زمانه" و "معرفت و سیاست در اسلام" تنظیم شده است.

در فصل قرآن و مقتضیات زمانه، طالبی به پاره‌ای پرسش‌ها در مورد سیره پیامبر (ص) و نگاه‌های شرق‌شناسان در این باب، تفسیر متن دینی و... پاسخ داده است.

وی در این پرسش، درباره نوشته‌های شرق‌شناسان در موضوع سیره نبوی، به کتاب مشترک خود با موریس بوکای - شرق‌شناس فرانسوی مسلمان شده - ارجاع می‌دهد که نوشته‌های شرق‌شناسان درباره زندگی پیامبر اسلام (ص) همگی بر این پیش فرض مبتنی است که او پیامبر نیست و حتی پاره‌ای شرق‌شناسان اساساً منکر وجود وی شده‌اند!

در پاسخ به پرسشی درباره تکثرگرایی در فهم نص اسلامی، طالبی می‌گوید: "طبیعت انسان، مقتضی سیر در راه‌های متعدد است و تعدد رویکردها از زمان برآمدن خورشید اسلام تاکنون در صلب امت اسلام وجود داشته است و وحدت امت اسلام هم به معنای وحدت در سطح عبادت و تقوا است و نه در سطح رویکردهای فکری و قالب‌های اجتماعی. طبیعت انسان ایجاب می‌کند با دیگران متفاوت باشد و حتی هر انسانی به تنهایی مجموعه‌ای از انسان‌ها است، یعنی مجموعه‌ای از خواسته‌های ناسازگار است که در آن واحد، در پوستینی واحد گنجه‌ده‌اند، از تعدد قرائت‌ها گریزی نیست. راه‌حل همانا احترام متقابل و مبتنی بر حق دیگری در مخالفت و اختلاف است."

طالبی درباره نهاد حسبه که برخی آن را از لوازم اسلام و ریشه گرفته از اصل امر به معروف و نهی از منکر می‌دانند، می‌گوید: "جالب است که در مقابل مساله‌ای مانند شورا که از آن در قرآن سخن رفته است از چیزی به نام حسبه، اصلاً سخنی به میان نیامده است و حتی در دو قرن نخست از حیات اسلام، مسلمانان بدون حسبه و محتسب زندگی کردند و چنین اولین بار اسم آن در احکام‌السوق قیروانی برده شد و این نهاد همان تحولات نهادهای مشابه در تمدن یونان و روم قدیم را پشت سر گذاشت و به همان انقراض دچار شد و امروز، در نظم و نظام عصری ما، انسان مسلمان می‌تواند با انتخاب برنامه‌های برتر و نزدیک‌تر به عقیده خود، از میان فهرست‌های انتخابی، امر به معروف را اعمال کند و چیزی مانع او از اعمال خیر نمی‌شود. زیرا آزادی، ملک همگان است و آزادی هر کس در نقطه آغاز آزادی دیگری پایان می‌یابد. بنابراین انسان

"مرکز دراسات فلسفه الدین" در بغداد، اخیراً کتاب "عیال الله" اثر دکتر محمد طالبی، متفکر پرآوازه تونسی را در ضمن سلسله کتاب‌های "ثقافه التمام" (فرهنگ مدارا) به چاپ رسانده است.

محمد طالبی مورخ و متخصص زبان‌شناسی است و پایان‌نامه دکترایش با عنوان "فرمانروایی از منظر تاریخی و سیاسی" در سال ۱۹۶۶ در فرانسه منتشر شده است.

او درباره تاریخ دوره میانه اسلام و دشواری‌های کنونی انسان مسلمان، پژوهش‌های فراوانی انجام داده است. افزون بر ده‌ها مقاله، چهار کتاب هم از وی منتشر شده است که به استثنای عیال الله عبارتند از: ۱- امه‌الوسط، الاسلام و التحدیت المعاصره (اسلام و چالش‌های معاصر) ۲- الدوله الاغلیبه ۳- الاسلام و الحوار.

کتاب "عیال الله" در یک مقدمه و یک مدخل و سه باب که هر کدام شامل دو فصل است، تنظیم شده است. مقدمه کتاب به قلم "حسن بن عثمان" یکی از سه تهیه‌کنندگان آن، نگاشته شده است.

وی محمد طالبی را به وصف استاد دانشگاه، مورخ و متفکر تونسی می‌شناساند و می‌گوید: "طالبی اطلاق صفت عالم را بر خویش بر نمی‌تابد، زیرا معتقد است این صفت به عدم تواضع می‌انجامد و دانش بی‌تواضع جز فریب نیست، وانگهی آن‌ها باور دارند که هر انسانی در آن واحد هم عالم است و هم جاهل؛ استاد طالبی با این روح تواضع علمی، مشارکت برجسته‌ای در حوزه پژوهش علمی و فکری داشته‌اند و مقالات و پژوهش‌ها و کتابهایشان، غالباً برای خواننده عرب مجهول است. زیرا بیشتر آن‌ها به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی منتشر شده است. "مدخل" کتاب به قلم محمد طالبی است و در نهایت اختصار نگاشته شده است."

فصل اول از باب نخست به خاطرات طالبی از مراحل مختلف حیاتش اختصاص دارد. این متفکر برجسته تونسی که اکنون در آستانه نود سالگی است در ۲۴ سالگی، گواهینامه تدریس در سطح ابتدایی را به‌دست آورد و به تدریس در مدارس ابتدایی روی آورد. وی آموزش در این مرحله و توانا ساختن دانش‌آموز بر خواندن و نوشتن را فتح‌المبین و بزرگ‌ترین و زیباترین کار می‌داند. در ادامه این فصل، طالبی از خاطرات خود در پاریس و دانشگاه سوربن و اساتید خود مانند ماسینیون و بلاشر یاد می‌کند. درباره عمق تأثیر ماسینیون بر خویش می‌گوید: "دانشجویی بودم در پاریس؛ این شهر دستخوش باد جریان‌های مختلف فکری، که مردی را یافتیم که از مجموعه اسلام سخن می‌گوید و خود نه سنی است و نه شیعی بلکه مسیحی است و بدون هیچ جانبداری‌ای از تصوف سخن می‌گوید. من اهل طریقت قادری بودم که با مردی آشنا شدم که در برابرم آفاق تصوف را به طور کامل گشود. از سهرودی تا ابن فارض و محاسبی تاحلاج؛ او به

در پاسخ به پرسشی درباره

تکثرگرایی در فهم نص

اسلامی، طالبی می‌گوید:

طبیعت انسان، مقتضی سیر در

راه‌های متعدد است و تعدد

رویکردها از زمان برآمدن

خورشید اسلام تاکنون در صلب

امت اسلام وجود داشته است و

وحدت امت اسلام هم به معنای

وحدت در سطح عبادت و تقوا

است و نه در سطح رویکردهای

فکری و قالب‌های اجتماعی

حکومت اسلامی پاسخ می‌گوید.

به کاری که در صورت باقی ماندن آن دیه بر ذمه زنده می‌افتد نیست و یا این که اسلام دین آزادی دینی است و هیچ اثری از حکم ارتداد در قرآن وجود ندارد و این حکم زاده شرایط تاریخی‌ای است که ارتداد را در زمان جنگ به معنای خیانت به وطن می‌دانست.

فصل دوم باب سوم یعنی آخرین فصل کتاب - عنوان "به سوی گفت‌وگو میان همه ادیان" را دارد. دکتر محمد طالبی از فعالان حوزه گفت‌وگو و ادیان است. طالبی معتقد است اسلام به عنوان دینی جهانی در رویارویی با مدرنیسم و مشکلات جهان معاصر در شکل‌دهی به نهادی جهانی و مستقل از نظام‌های سیاسی موفق نبوده است. اسلام به عنوان دینی جهانی، مؤسسه‌ای مانند واتیکان یا مجمع جهانی کلیساهای غیرکاتولیک ندارد و از این رو نمی‌تواند یک طرف جدی گفت‌وگو و یا دعوت باشد و هزینه‌ای که اسلام بابت این خلأ می‌پردازد، بسیار سنگین است.

وی گفت‌وگو را از منظر اسلام، بازگشت به یکی از سنت‌های شرعی می‌داند که در قرآن همه گونه دعوت به آن شده و هیچ مخالفتی با آن نشده است و با تأمل در آیاتی مانند "ادع الی سبیل ربک بالحکمه والموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن" و "کانجدالوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن" درمی‌یابیم که به گفت‌وگو با همه مردم و به ویژه اهل کتاب تشویق شده است. طالبی یکی از سخت‌ترین موانع گفت‌وگو را هجوم تبشیری کلیسا می‌داند و البته آن را هم به ضعف و پراکندگی مسلمانان نسبت می‌دهد و بر آن است که چنین مشکل از تبشیر که در اندونزی - با ۷۵٪ مسلمان و تانزانیا و کنیا و... مشاهده می‌شود و از ابزارهای آموزشی و اقدامات بهداشتی و تغذیه و... در جهت تبشیر کمک گرفته می‌شود، در زمان استواری پایه‌های دارالاسلام سابقه نداشته است و حتی شورای دوم واتیکان در پشت سر گذاشتن شیوه پیشین و احترام به همه ادیان گامی برداشت ولی کلیساها به ویژه کلیسای کاتولیک عملاً از این رویکرد فاصله گرفت و بر تبشیر تمرکز یافت و گفت‌وگو را هم به تبشیر پیوند زد.

با این حال وی معتقد است بدیلی برای گفت‌وگو و هم‌زیستی وجود ندارد ولی نقطه آغاز این گفت‌وگو باید "پذیرش دیگری به شکلی که خود او می‌خواهد" باشد. مبنایش این است که گفت‌وگو به هدف سازش کاری و تنازل متقابل نباشد، زیرا نمی‌توان بر سر چیزی که حق می‌دانیم، سازش کنیم. هدف از گفت‌وگو، برادری بر مبنای قبول تکثر و قبول اختلاف و تفاوت است و این زمانی محقق می‌شود که به انسان به عنوان فردی از عائله خدا نگریسته شود.

خلقه همه یکسره نهال خدایند  
هیچ نه بشکن از این نهال و نه برکن  
دست خداندون باغ خلق دراز است  
بر خشک و خار همچو بر گل و گلشن

مشخصات کتاب:

عیال الله: افکار جدیده فی علاقه المسلم بنفسه  
و بالآخرین - الدكتور محمد الطالی.

گردآوری: منصف وناس، شکری منحوت،  
حسن بن عثمان.

مرکز دراسات فلسفه الدین - بغداد. ۲۰۰۶ م.

۱۴۲۷ ه.ق

درباره پاره ای از تلاش‌های فکری مقایسه‌ای که می‌کوشد مفاهیم و نهادهای جدید برآمده از تجربه تمدن غربی، مانند پارلمان و انتخابات و نمایندگان را با مفاهیم اسلامی مانند شورا و بیعت و اهل حل و عقد تشبیه و تطبیق نماید و درحقیقت به نوعی قیاس روی می‌آورد، نظر طالبی این است که انسان نمی‌تواند از این شیوه و ساز و کار اندیشیدن رهایی یابد زیرا هیچ انسانی صفحه‌ای سپید و بی‌نقش نیست. دموکراسی نخستین بار در آتن سر برآورد و دموکراسی آتن بی‌عیب و نقص نبود زیرا به بردگان و زنان حق هیچ گونه مشارکت سیاسی - اجتماعی را نمی‌داد.

طالبی در نقد دموکراسی کنونی غربی هم می‌گوید: "فراموش نمی‌کنم که دموکراسی غرب در سال ۱۹۶۰ به من می‌گفت که الجزایر بخش جدایی‌ناپذیر از فرانسه است و دموکراسی فرانسوی، یک میلیون الجزایری را از دم تیغ گذراند." طالبی بر آن است که مفاهیم جدید غربی را نباید بر مفاهیم سنتی اسلامی تحمیل کرد: "پس نباید بگوییم شورا همان دموکراسی است، این سخن کذب محض است. شورا هیچ گاه دموکراسی نبوده است، به دلایل متعدد؛ یکی این که دموکراسی به شیوه فعلی‌اش هیچ گاه در تمدن اسلامی وجود نداشته است. برگه‌های رأی و صندوق‌های انتخاباتی و رأی‌گیری و... در تاریخ تمدن اسلامی وجود نداشته است. اما آیا می‌توان تصور کرد که زندگی امروز رونق‌دستی مطابق اصلی باشد که هزار و پانصد سال از آن گذشته است؟ چنین چیزی محال است. طالبی در ادامه به برخی از حکومت‌هایی که اجرای شریعت آن هم به شکل کورکورانه را ابزار کسب مشروعیت خود ساخته‌اند - مانند دولت عربستان سعودی - به شدت حمله می‌کند و آن را ساخته و پرداخته "محمد بن عبدالوهاب" و فقهای وهابی می‌داند و به سخنی از شیخ محمد عزالی استناد می‌کند که برخی گمان برده‌اند که می‌توان از راه دل‌بخواه به قدرت رسید و با اجرای برخی از حدود و قصاص، قدرت خود را مشروعیت بخشیده و با این حيله ظریف، حکومت خود را اسلامی جلوه داد.

فصل اول باب سوم کتاب به مسأله احوال شخصیه و دین می‌پردازد و طالبی در پاسخ به پرسش درباره انحرافات جنسی و تعدد زوجات، در عین آن که معتقد است احترام زن و تعادل و معادله میان زن و مرد در همه عرصه‌ها، بدون استثنا باید حفظ شود و مقتضای عدل و معادله را تک‌همسری می‌داند، تحریم چندهمسری را راه مناسبی برای جلوگیری از انحرافات جنسی نمی‌شمارد و بر آن است که به جای مباح کردن زنا، مباح کردن چندهمسری بهتر است. هرچند نمی‌توانیم بنا به درخواست جوامع خود - و نه جوامع دیگر - بدون این که اسلام را برای این امر سرزنش کنیم، قوانینی در ممنوعیت - و نه تحریم - آن وضع کنیم. طالبی به ضرورت قرائت مقاصدی از نص دینی توجه می‌دهد و توجه به شرایط تاریخی برخی احکام را ضروری می‌داند. برای مثال وی به مقاله مفصل خود که در کتاب امه‌الوسط هم چاپ شده است، اشاره می‌کند که ثابت می‌کند زدن زن از قدیم رایج بوده و هم‌اکنون هم نه فقط در کشورهای اسلامی که در غرب هم اتفاق می‌افتد و در زمان نزول آیه مربوط به ضرب زوجه، امری شایع بوده است و قرآن درصدد مشروعیت بخشی

**طالبی معتقد است بدیلی  
برای گفت‌وگو و هم‌زیستی  
وجود ندارد ولی نقطه  
آغاز این گفت‌وگو باید  
"پذیرش دیگری به شکلی  
که خود او می‌خواهد"  
باشد. مبنایش این است که  
گفت‌وگو به هدف سازش  
کاری و تنازل متقابل  
نباشد، زیرا نمی‌توان بر  
سر چیزی که حق  
می‌دانیم، سازش کنیم**

مسلمان باید در جوامع متکثر کنونی که مبتنی بر آزادی رفتار و حق اختلاف است، در صورت ضرورت و مصلحت به ضعیف‌ترین سطح ایمان که انکار قلبی است، اکتفا کند، زیرا همان گونه که او دارای عقیده و وجدان است دیگران هم مانند او هستند. طالبی در ادامه به نمونه‌هایی از تکفیرگری و مرتدسازی و نارواداری اشاره می‌کند، مانند: "فتوای امام اوزاعی (متوفای ۱۵۷ق) فقیه هوادار بنی‌امیه به مباح بودن خون غیلان دمشق که به وسیله هشام بن عبدالملک اجرا شد و رفتار ابراهیم دوم اغلی (متوفای ۲۸۹ق) که بنا به حکم مذهب مالکی، ایاضیه جبل نفوسه در جنوب آفریقا را قتل عام کرد و همه این کارها به حساب خدا و به عشق او! انجام پذیرفت و به نام امر به معروف و نهی از منکر و با اخلاص نیت."

در فصل دوم این باب با عنوان معرفت و سیاست در اسلام، محمد طالبی به پرسش‌هایی در باب قرائت‌های جدید از نص دینی، اسلام سیاسی و دین، رابطه شریعت و سیاست، تجارب سیاسی به نام اسلام و الگوی